

بسم الله الرحمن الرحيم

گروه باور باران

فعال در عرصه های علمی پژوهشی و فرهنگی



BavarBaran.ir

موضوع کنفرانس:
هدف خلقت (۱)

بخش مجری کنفرانس: بخش دشمن شناسی (جناب آقای محمد مهدوی)

هدف خلقت :

خلقت انسان بر اساس ۳ شاهد در گروه علم و قرآن گفته شد تخمین زده میشه که حدود ۱۱ تا ۱۲ هزار سال پیش بوده

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ (33)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند! (33)

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ
(32)

آنها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (32)

وَ يَحِقُّ لِلَّهِ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (82)

و خداوند حق را به کلمات خود (به تقدیرش در لوح و اجرایش به اراده) ثابت و پایدار می‌کند هر چند گنهکاران خوش ندارند.

قرآن و کتب اربعه

۱. الكافي: گردآوری شده توسط محمد بن یعقوب کلینی ولادت در سال ۲۵۸ هجری قمری)، و ۱۶۱۹۹ حدیث دارد.

۲. من لایحضره الفقیه: گردآوری شده توسط ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق زاده ۳۰۶ - قم) و ۵۹۶۳ حدیث دارد.

۳. تهذیب الاحکام: گردآوری شده توسط ابوجعفر محمد بن الحسن طوسی معروف به شیخ طوسی رمضان سال ۳۸۵ هجری قمری در توس زاده شد و ۱۳۵۹۰ حدیث دارد.

۴. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار: گردآوری شده توسط شیخ طوسی است و ۵۵۱۱ حدیث دارد.

نویسنده هر 4 کتاب سه فرد با نام محمد و کنیه هر سه ابوجعفر



<http://www.raherasti.ir/4716/%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4-%D8%A8%DB%8C-%D8%A8%DB%8C-%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86-%D8%B9%D8%B5%D8%B1-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B9%D9%84%DB%8C%D8%B9-%D8%AF%D8%B1-%D8%A2/>

شیخ صدوق

(نمری) ۳۰۶

Ctrl+Click to follow link

او در حدود سال ۲۰۶ در قم متولد شد. تولدش با آغاز نیابت حسین بن روح سومین نایب خاص حجت بن حسن (مهدی) هم زمان بوده است.

پدر شیخ صدوق علی بن حسین بن موسی بن بابویه، از فقهای بزرگ شیعه و در زمان حسن عسگری و حجت بن حسن (مهدی) می زیسته و مورد احترام آن امامان بوده است. هر دو پدر و پسر معروف به ابن بابویه و صدوقین هستند.

درباره تولد شیخ صدوق در کتاب های شیعه آمده است که پدر او بعد از گذشت ۵۰ سال از عمرش، دارای فرزند نشده بود. از این رو برای حسین بن روح سومین نایب حجت بن حسن نامه می نویسد و از او تقاضا می کند که درخواست او را به حجت بن حسن برساند. در جواب این نامه، حجت بن حسن برای پدر شیخ صدوق می نویسد: «از خداوند خواستم دو پسر روزیت کند که وجودشان، خیر و برکت باشد.» از این رو وی «متولد به دعای امام زمان» نیز خوانده می شود.^{۱۲}

واقعه عجیب پیکر شیخ پس از 10 قرن سالم مانده است!!

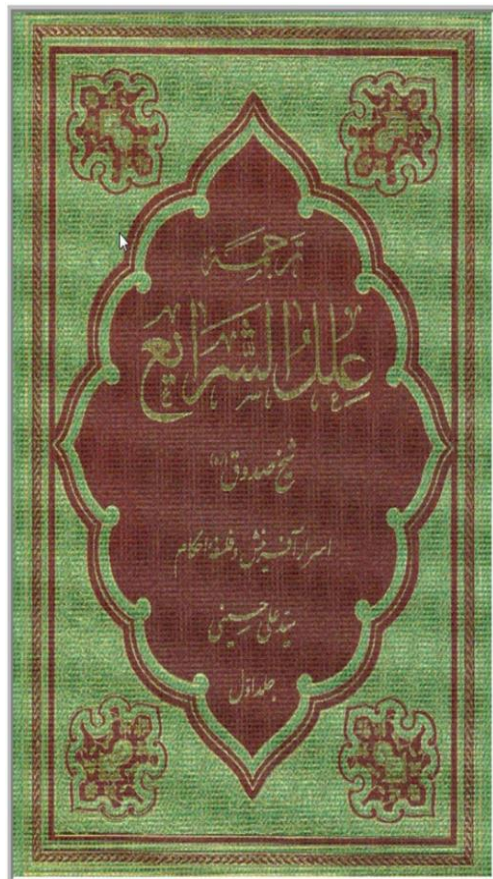
آرامگاه شیخ صدوق، درگذر زمان به خاطر حمله مغولان و جنگهای خوارزمشاهیان و تیموریان و همچنین به علت حوادث مختلف چندین مرتبه خراب و ویران شد و سالها در زیر توده‌های خاک پنهان گردیده بود^{۱۱۱} به گونه‌ای که در زمان فتحعلی شاه در سال ۱۲۳۸ روی آن را کشتزار و باغی فراخ به نام «باغ موستوفی» پوشانده بود^{۱۱۲}؛ ولی در آن سال باران زیادی بارید که بر اثر آن، سیل عظیمی آمد و تمام زمینهای کشاورزی و باغهای اطراف شهرری را آب فرا گرفت و بعضی از مناطق را تخریب نمود؛ اطراف مزار شیخ صدوق نیز فروریخت و شکافی ژرف در کنار آن پدید آمد؛ هنگامی که به اصلاح و مرمت این قسمت مشغول بودند، سردابی ظاهر شد که آب قسمتی از آن را تخریب کرده بود. در پی این حادثه، واقعه عجیبی نیز اتفاق افتاد که تفصیل این واقعه را بسیاری از بزرگان در کتب خود، مانند: خوانساری در کتاب روضات، تنکابنی در کتاب قصص العلماء، مامقانی در کتاب تنقیح المقال، خراسانی در کتاب منتخب التواریخ، قمی در کتاب فوائد الرضویه و رازی در کتاب اختران فروزان ری و همچنین در مقدمه کتب مرحوم صدوق، از جمله کتاب کمال الدین صدوق و مقدمه کتاب خصال صدوق نقل نموده‌اند. وقتی که برای بازرسی و جستجو به آنجا وارد شدند، جسدی را مشاهده کردند که تمام اعضای بدنش سالم و تازه به نظر می‌رسید و هیچگونه عیب و نقصی در آن دیده نمی‌شد، و با صورتی نیکو آرمیده بودا و هنوز اثر حنا بر ناخنهایش مشهود بود^{۱۱۳}؛ ناخنهای یک دست را گرفته و ناخن دست دیگر را نگرفته بود، ریشش روی سینه‌اش ریخته شده بود و بدن چنان سالم و تازه بود که چنین به نظر می‌آمد تازه از حمام بیرون آمده‌است و فقط رشته‌های نخ پوسیده کفن که از هم گسسته شده بود در اطراف جسد بر روی خاک ریخته بودا این خبر به سرعت در شهر ری و تهران پیچید تا آنکه به گوش فتحعلی شاه قاجار رسید. وی دستور داد سرداب را نپوشانند تا او شخصاً جسد را ببیند؛ شاه به همراه گروهی از علما و افراد سرشناس و صاحب نفوذ، که در بین ایشان مرحوم حاج آقا محمد آل آقا کرمانشاهی و مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم گرانمایه آن روزگار و مرحوم آیت‌الله ملا محمد رستم آبادی و مرحوم علامه سید محمود مرعشی نجفی (پدر آیت‌الله مرعشی نجفی) حضور داشتند، برای بررسی وضعیت در منطقه حضور پیدا کردند و وارد سرداب شدند و پس از سالم یافتن پیکر و تأیید اصل قضیه، برای شناسایی جسد، شروع به بررسی و جستجو نمودند. با جستجو و بررسی‌های انجام شده در سرداب، متوجه لوح و سنگ قبری می‌شوند که بر روی آن چنین نوشته شده‌است:

اِبْنِ عَرَبِيٍّ هَذَا الْمَرْقُودُ الْعَالِمُ الْكَامِلُ الْمُحَدَّثُ، ثِقَّةُ الْمُحَدِّثِينَ، صَدُوقُ الطَّائِفَةِ، أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيَةَ قَمِيٍّ.



<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910822001009>

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DB%8C%D8%AE_%D8%B5%D8%AF%D9%88%D9%82



باب ٩

علة خلق الخلق و اختلاف أحوالهم

١- حدّثنا أبي عبد الله عليه السلام قال: حدّثنا أحمد بن إدريس عن الحسين بن عبيد الله عن الحسن بن علي بن أبي عثمان عن عبد الكريم بن عبيد الله عن سلمة بن عطا عن أبي عبد الله عليه السلام قال: خرج الحسين بن علي عليه السلام على أصحابه فقال: أيها الناس، إنّ الله جلّ ذكره ما خلق العباد إلاّ ليعرفوه فإذا عرفوه عبده فإذا عبده استغنوا بعبادته عن عبادة من سواه.

فقال له رجل: يا بن رسول الله بأبي أنت و أمي فما معرفة الله؟

قال: معرفة أهل كلّ زمان إمامهم الذي يجب عليهم طاعته.

قال: مصنّف هذا الكتاب - يعني بذلك - أن يعلم أهل كلّ زمان أنّ الله

هو الذي لا يخلّيهم في كلّ زمان من إمام معصوم، فمن عبد ربّاً لم يقم لهم الحجّة